

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[برگرفته از سایت: [ندای جام زهر](#)]

[تاریخ: ۴ اوت ۲۰۱۵ [۱۳ مرداد ۱۳۹۴]]

شعر مهوش شهریاری برای نرگس محمدی

مهوش شهریاری با زبان شعر استقامت نرگس محمدی را ستوده است.

خانم شهریاری یکی از ۷ مدیر بهایی است که در اسفندماه ۸۶ بازداشت شد. وی به مدت ۶ ماه در سلول انفرادی به سر برد و در این مدت دچار بیماری قلبی شده بود و پس از ۲ سال بلاتکلیفی و نگهداری در بند ۲۰۹، سال گذشته از سوی دادگاه به تحمل ۲۰ سال حبس تعزیری محکوم شد که این حکم در دادگاه تجدیدنظر مورد تأیید قرار گرفت. این شهروند بهایی در زندان های اطلاعات مشهد، ۲۰۹ اوین، رجائی شهر، قرچک ورامین، بند نسوان اوین زندانی بوده است.

نرگس محمدی، فعال حقوق بشر نیز در اردیبهشت ماه توسط ماموران امنیتی بازداشت و در حال حاضر از شرایط وخیم جسمی رنج می برد. خانم محمدی در ساعت های پایانی روز شنبه پس از آن که به مدت هشت ساعت دچار فلج عضلانی می شود به بیمارستان طالقانی تهران منتقل شده و تحت مراقبت های پزشکی قرار می گیرد. اما پزشکان بیمارستان طالقانی پس از انجام معاینه های اولیه اعلام می کنند که خانم محمدی باید تحت نظر پزشک متخصص قرار گیرد.

مقام های مسئول در قوه قضاییه، خانم محمدی را با وجود تأکیدهای پزشکان مبنی بر معاینه این مدافع حقوق بشر توسط پزشک متخصص، دو ساعت قبل از انجام ملاقات هفتگی به زندان اوین منتقل می کنند. این در حالی است که خانم محمدی در ملاقات روز یکشنبه خود با خانواده از هوشیاری کافی برخوردار نبوده است. به گزارش سحام، در همینباره مهوش شهریاری شعری سروده که متن آن در پی آمده است:

آوای اذان در فضای زندان پیچیده بود و او
سجاده اش را
زیر آسمان کبود رو به خدا باز کرد
و پیشانی تبارش را بر مهر خنک نهاد...
بر می خیزد
شاید برای آنکه به خدا نزدیکتر شود!
"رَبَّنَا اَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ اَقْدَامَنَا"...
چشمانش را می گشاید با شعف
چیزی از زمین بر می دارد
در میان دو دست نوازش گرش می گیرد
با شوق آنرا به قلبش می فشارد
آنرا می بوید
به نجوا در گوشش زمزمه می کند
و دستهایش را رو به آسمان خدا باز می کند!
قاصدک پرواز می کند



بر می گردد و از بلندی دیوارها شکوه می کند
نفس مشتاقش را بدرقه اش می سازد
او مادر است
از کودکانش بی خبر است
و راهی دیگر برای رساندن احساس مادرانه اش به کودکانش برایش باقی نمانده است
نسیمی می وزد
قاصدک از دیوارها می گذرد
از نظرها دور می شود
و عطر نفس نرگس
فضا را پر می کند!
مهوش شهریاری
زندادان اوین
برای حس مادرانه و عاشقانه ات

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]